

The Role of Non-Governmental Organizations in Increasing the Efficiency of the Judiciary with a Comparative Approach

(Type of Paper: Research Article)

Davar Derakhshan^{1*}, Ali Bahadori Jahromi²

Abstract

Non-governmental organizations (NGOs) are among the influential institutions whose participation in reforming the judiciary will increase its efficiency and thus increase public trust in the judicial system. In other countries, the groundwork has been laid for the entry and participation of NGOs in the judiciary, and these organizations have been able to remedy many shortcomings in the judiciary. The NGOs have been involved in such activities as academic interactions with judges, supporting prisoners, fighting corruption, effective participation in the judicial process, monitoring the functioning of the judiciary and crime prevention. For this purpose, the NGOs have been developing programs and implementing them with the help of the government. With respect to Iran, however, despite the recognition of the role of NGOs in various laws and regulations - especially the Guidelines on the Participation and Interaction of NGOs with the Judiciary in which the participation of NGOs in the judicial process, combating corruption, and prevention of crime have been provided - in practice, the influence of these organizations in the judicial system is limited. Indeed, the rights of the NGOs have remained unimplemented, and the two sides have been unable to interact for the purpose of improving the judiciary.

Keywords

non-governmental organizations, the efficiency of the judiciary, effective participation, supervision.

1. Ph.D. Student in Public Law. Faculty of Law and Political Science University of Allameh Tabatabayii. Tehran, Iran. Email: d_derakhshan@atu.ac.ir

2. Assistant Prof. Department of Law. Faculty of Law. University of Tarbiat Modares.Tehran. Iran. Email: a.bahadori.j@modares.ac.ir

Received: May 9, 2020 - Accepted: November 9, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

نقش تشکل‌های مردم‌نهاد در افزایش کارآمدی نظام قضایی با رویکرد تطبیقی

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

داور درخشان^{۱*}، علی بهادری جهرمی^۲

چکیده

تشکل‌های مردم‌نهاد (سمن) از جمله نهادهای تأثیرگذاری هستند که مشارکت آنها در اصلاح نظام قضایی موجب افزایش کارآمدی نظام قضایی و در نتیجه افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی خواهد شد. در دیگر کشورها بسترهای لازم برای ورود و مشارکت سمن‌ها در عرصه قضایی فراهم شده و این تشکل‌ها در عرصه عمل توانسته‌اند به‌منظور ساماندهی بسیاری از خلأها و کاستی‌های نظام قضایی از جمله در موارد تعاملات علمی با قضات، حمایت از زندانیان، مبارزه با فساد، مشارکت مؤثر در فرایند دادرسی، نظارت بر عملکرد نظام قضایی و پیشگیری از جرم، برنامه‌هایی تدوین و با کمک دولت آنها را اجرا کنند. با این حال در جمهوری اسلامی ایران با وجود شناسایی و به رسمیت شناخته شدن نقش سمن‌ها در قوانین و مقررات مختلف به‌خصوص دستورالعمل «نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه» که در آن مشارکت سمن‌ها در فرایند دادرسی، مقابله با فساد و پیشگیری از جرم تدارک دیده شده است، اما در عرصه اجرا و عمل شاهد اثرگذاری خفیفی از سوی این تشکل‌ها در نظام قضایی هستیم و بیشتر حقوق سمن‌ها در سطح قوانین و مقررات باقی مانده و طرفین نتوانسته‌اند تعاملات دوسویه مطلوبی در جهت ارتقای کارکردهای نظام قضایی به منصفه ظهور برسانند.

کلیدواژگان

تشکل‌های مردم‌نهاد، کارآمدی نظام قضایی، مشارکت مؤثر، نظارت.

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول).
Email: d_derakhshan@atu.ac.ir

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. Email: a.bahadori.j@modares.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰ - تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۹

مقدمه

جامعه بنا بر یکی از تقسیم‌بندی‌های رایج از سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تشکیل می‌شود که در صورت همکاری و هماهنگی بین سه بخش می‌توان به رشد و توسعه جامعه امیدوار بود. در این مقاله در پی روابط سازنده و مؤثر بخشی از جامعه مدنی یعنی تشکل‌های مردم‌نهاد^۱ و بخشی از دولت (به معنای عام) یعنی نظام قضایی خواهیم بود و در بررسی راه‌های افزایش تعاملات بین این دو نهاد خواهیم آمد.

کارویژه قوه قضاییه حل‌وفصل اختلاف‌ها و برقراری عدالت در جامعه است که در این مسیر باید از تمام نیروهای جامعه از جمله تشکل‌های مردم‌نهاد بهره‌بردار. تشکل‌های مردم‌نهاد نیز باید این وظیفه را برای خود ایجاد کنند که برای تحول در جامعه و پیمودن مسیر رشد و تعالی آن، قوه قضاییه کارآمد و در تراز نظام اسلامی داشته باشیم و در این راه از هیچ کمکی به این قوه دریغ نوزند. در مقابل نیز قوه قضاییه باید در عرصه عمل زمینه مشارکت سمن‌ها را فراهم ساخته و روابط دوستانه و سازنده‌ای با آنان برقرار سازد.

از جمله زمینه‌های تعاملات دوسویه تشکل‌های مردم‌نهاد و نظام قضایی می‌توان به نظارت سمن‌ها بر فرایند دادرسی و محاکمات، برگزاری دوره‌های آموزشی برای شهروندان و قضات در خصوص جدیدترین دستاوردهای نظام‌های قضایی مترقی، مشارکت در طرح‌های پیشگیری و کاهش جرم، حق اقامه دعوا در محاکم توسط سمن‌های ذی‌صلاح، تضمین استقلال و بی‌طرفی نظام قضایی و ... اشاره کرد. بدیهی است هرچه مشارکت ضابطه‌مند سمن‌ها در عملکردهای نظام قضایی افزایش یابد، میزان اعتماد عمومی به قوه قضاییه نیز افزایش پیدا می‌کند، چراکه اعضای تشکل‌های مردم‌نهاد برخاسته از متن جامعه هستند و روابط نزدیکی با عموم افراد جامعه دارند. بازخوردها و نظرهای سمن‌ها می‌تواند در اصلاح رویه‌های ناصحیح و بدعت‌های خطرناک قضایی نیز مؤثر واقع شود. البته نباید در همکاری و مساعدت تشکل‌های مردم‌نهاد با نظام قضایی مبالغه کرد، چراکه ممکن است این نهاد‌های مردمی، نظام قضایی را از کارویژه‌های اصلی خود منحرف کرده و به استقلال و بی‌طرفی آن خدشه وارد سازند. بنابراین برای پیاده‌سازی این همکاری‌ها و برجسته شدن نقش سمن‌ها در کارکردهای نظام قضایی باید از مطالعات تطبیقی و تجربه دیگر کشورها در این خصوص استفاده کرد. مرور تجربه موفقیت‌آمیز آنها و قوانین و مقررات مربوط در این کشورها ما را در رسیدن به الگویی مناسب و متناسب با شرایط کشور خود یاری خواهد کرد. علاوه بر این دستورالعمل جدید «نحوه مشارکت و تعامل نهاد‌های مردمی با قوه قضاییه» ابلاغی سال ۹۸ رئیس قوه قضاییه دارای نکات برجسته و فرصت‌های جدیدی برای مشارکت تشکل‌های مردم‌نهاد در فرایندهای قضایی و کمک به کارآمدی قوه قضاییه است. از جمله موارد شایان توجه

این دستورالعمل توجه به نقش حداکثری سمن‌ها در پیشگیری از جرم، مقابله با فساد، مشارکت در فرایند دادرسی و امور مربوط به زندانیان است که نوید تعامل حداکثری نظام قضایی با تشکل‌های مردم‌نهاد و هم‌افزایی آنان را می‌دهد.

سمن

سازمان‌های مردم‌نهاد یا سازمان‌های غیردولتی از مصادیق مهم نهادهای جامعه مدنی به‌شمار می‌روند که مسئولیت ارتباط میان مردم و دولت را بر عهده دارند و درصدد به‌کارگیری ظرفیت‌های موجود برای رسیدن به اهداف خاص و عام‌المنفعه‌اند. سازمان مردم‌نهاد را «مجموعه‌ای از افراد هم‌هدف و داوطلب با گرایش‌های غیرسیاسی، غیرانتفاعی و غیراقتصادی که برای تحقق یک هدف مشترک خیرخواهانه گرد هم جمع شده و طبق ضوابط و قوانین خاصی به انجام فعالیت‌های مشخص می‌پردازند» تعریف کرده‌اند (رفیعی، ۱۳۸۵: ۶۸). در سطح بین‌المللی اصطلاح مذکور برای نخستین بار در قطعنامه شورای اجتماعی، اقتصادی سازمان ملل متحد در فوریه ۱۹۵۰ به‌عنوان هر نوع سازمانی که با موافقت دولتی ایجاد نشده باشد، به‌کار گرفته شد (سعیدی، ۱۳۸۲: ۳۹). به‌طور خلاصه، نگرش سازمان ملل متحد و همچنین بانک جهانی در مورد سازمان‌های مردم‌نهاد از این قرار است: سازمان مردم‌نهاد، متشکل از گروهی از افراد داوطلب است که بدون وابستگی به دولت و به‌صورت غیرانتفاعی، غیرسیاسی و عام‌المنفعه با تشکیلاتی سازمان‌یافته در جهت اهداف و موضوعات متنوع فرهنگی، اجتماعی، خیریه و تخصصی فعالیت می‌کنند. اهداف و موضوعات مورد توجه این سازمان‌ها مختص به گروه و قشر خاصی نیست. با ایجاد این‌گونه سازمان‌ها، حضور افراد در عرصه‌های مختلف رشد و توسعه کشور امکان‌پذیر می‌شود (Magliveras, 2016: 40). در ماده ۱۲ قانون اساسی لهستان مصوب^۱ ۱۹۹۷ به‌صراحت آزادی تشکیل و تأسیس نهادهای داوطلبانه و مردم‌نهاد مطرح شده است. این تشکل‌ها ویژگی‌هایی دارند که آنان را از سایر نهادها متمایز می‌سازند که در ذیل به‌اختصار بیان شده است.

۱. ویژگی‌های سمن

غیرانتفاعی بودن، استقلال و غیرسیاسی بودن از ویژگی‌های بدیهی سمن‌هاست (وروایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۰). منظور از غیرانتفاعی بودن آن است که دست یافتن به درآمد، سود و انجام فعالیت‌های تجاری و صنفی انتفاعی به‌منظور تقسیم منافع بین اعضا، مؤسسان، مدیران و کارکنان

1. Constitution of Poland, 1997. Last Amendment 2009.

هدف این سازمان‌ها نیست. قانون مؤسسات غیرتجاری کانادا^۱ مصوب ۲۰۰۹ و اصلاحیه ۲۰۱۸، سمن‌ها یا تشکل‌های مردم‌نهاد را نیز ذیل این قانون قرار داده است. مطابق ماده ۳ این قانون، سمن‌ها از فعالیت‌های تجاری، بانکی، شرکت‌های بیمه‌ای و شرکت‌های سپرده‌گذاری و وام‌دهی ممنوع هستند. استقلال سمن‌ها به این معناست که سازمان مردم‌نهاد نه بخشی از دولت یا تحت فرمان آن و نه یک نهاد درون‌دولتی است. در همکاری با دولت نیز نباید وجهه غیرسیاسی و عنصر استقلال سمن‌ها مورد خدشه واقع شود (WANGO: 2002: 54). در ایران نیز مطابق با تبصره ماده ۱ آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۹۵ و نیز دستورالعمل قوه قضاییه واژه «غیردولتی» به معنای «عدم وابستگی به دولت و نهادهای حاکمیتی، عدم دخالت دولت و نهادهای حاکمیتی در تأسیس، اداره و استمرار و همچنین عدم فعالیت مقامات و مسئولان و کارکنان دولتی و نهادهای حاکمیتی با استفاده از جایگاه حقوقی خود، به عنوان مؤسس یا عضو است». ویژگی مهم دیگر سمن‌ها غیرسیاسی بودن آنان است. سمن‌ها تحت عنوان شخصیت حقوقی سازمان خود، حق انجام فعالیت سیاسی ندارند و از این نظر باید به‌طور مستقل از احزاب به فعالیت خود ادامه دهند. از طرفی این موضع‌گیری‌های سیاسی مخالف فلسفه وجودی سمن یعنی استقلال از دولت و عدم فعالیت سیاسی است (The World Bank, 1997: 62).

۲. تعهدات سمن

در صورتی که مدیریت سمن‌های حقوقی به درستی انجام پذیرفت و ارزیابی‌های جمعی از فعالیت تشکل به‌موقع صورت گیرد، این سمن کارآمد و تأثیرگذار در حوزه فعالیت خود خواهد بود (Aviles, 2012: 34). سمن‌ها موظف به سه نوع پاسخگویی به نهادهای صالح عمومی هستند که عبارت‌اند از: پاسخگویی قانونی، مدنی و خودتنظیم‌گری. در قسمت پاسخگویی قانونی مقرراتی در جهت ثبت نام، ملزومات اعلام دارایی و اطلاعات اعضای سمن، معافیت‌های مالیاتی و افشای عمومی اطلاعات سمن گنجانده می‌شوند. در پاسخگویی مدنی، اغلب رسانه‌ها، افشاگران و دیدبانان از سمن‌های موردنظر پاسخگویی لازم را می‌طلبند. در خودتنظیم‌گری، سمن‌ها اقدام به پاسخگویی داوطلبانه و تدوین قواعد اخلاق حرفه‌ای برای خود می‌کنند (WANGO, 2002: 20). شفافیت نیز از لوازم ضروری فعالیت سمن‌هاست؛ بدین صورت که باید عملکرد آنان مشخص و نحوه هزینه‌کرد وجوه معلوم باشد و از طرف دیگر، فرایند تصمیم‌سازی این نهادها مشخص شود (Wyatt, 2004: 46). البته این تشکل‌ها از ارائه اطلاعات خصوصی و شخصی افراد به دیگران ممنوع هستند. تشکل‌های مردم‌نهاد باید به‌صورت مستمر سامانه‌های خود را به‌روزرسانی کرده و مردم را از نحوه و میزان فعالیت خود آگاه سازند.

1. Canada Not-for-profit Corporations Act, 2009.

سمن‌ها و نظام قضایی

سمن‌ها بازیگران کلیدی اصلاحات قضایی به‌شمار می‌روند و می‌توانند نگرانی‌های مختلف مردم را به گوش مسئولان قضایی برسانند، چراکه مردم استفاده‌کننده خدمات قضایی‌اند و نظام قضایی باید حقوق آنان را استیفا کند. تشکل‌های مردم‌نهاد می‌توانند در بسیاری از زمینه‌ها همچون شفافیت و استقلال قضایی، مبارزه با فساد، نظارت بر نظام قضایی، تعاملات علمی و قضایی با شهروندان و قضات، حمایت از زندانیان، مشارکت در دادرسی و ... یاری‌رسان نظام قضایی و سرمنشأ تحولات قضایی قرار گیرند. همچنان‌که بند ۱ ماده ۲ دستورالعمل سال ۱۳۹۸ تقویت مشارکت و تعامل سمن‌ها با قوه قضاییه را هدف تدوین این مقرر می‌داند.

۱. نظارت بر نظام قضایی

نظارت بر نظام قضایی از مهم‌ترین ارکان بالندگی نظام قضایی است. اغلب سمن‌ها نقش برجسته‌ای در نظارت، ارزیابی و انتقاد از عملکرد نظام قضایی دارند، اما اهمیت همکاری با این نظام در پیشنهادها، اصلاحی و مدرن‌سازی این قوه نهفته است که از طریق تقویت شفافیت، دسترس‌پذیر کردن عدالت، تأثیرگذاری و کارآمدی نظام قضایی رخ می‌دهد (Herrero and López, 2010: 32). نظارت بر نظام قضایی نباید موجب اختلال در عملکرد دستگاه عدلیه شود؛ همچنان‌که قوه قضاییه باید در مقابل سایر قوا از استقلال ساختاری و فردی برخوردار باشد، در مقابل نهادهای مدنی و رسانه‌ها نیز استقلال خود را باید حفظ کنند و نهادهای مردمی نباید به‌واسطه نظارت خود، تمرکز قضات را به هم بزنند و از طریق نظارت در پی ایجاد امتیازهایی برای خود باشند. به موجب ماده ۲۸ دستورالعمل سال ۱۳۹۸ سمن‌ها می‌توانند تخلفات و جرائم رخ داده را به دادستان‌ها اطلاع داده و دادستان‌ها مبتنی بر نوع تخلفات و جرائم، گزارش مزبور را به سازمان بازرسی، حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه یا دادرسی ارجاع دهند. ماده ۲۹ آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۹۵ اقدام به برشماری حقوق سمن‌ها کرده است. مستفاد از این ماده سمن‌ها حق دیدبانی و نظارت بر عملکرد و تصمیمات قوه قضاییه را دارند. آنان می‌توانند در مورد مشکلات و کاستی‌های نظام قضایی به ارائه راهکارها و نظرهای خود بپردازند و همچنین در تعامل دوسویه با قوه قضاییه به مشاوره‌های تخصصی این قوه اقدام کنند. مطابق بند ۴ بند «پ» ماده ۸۰ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دولت باید اقدام به بسط و توسعه تشکل‌های مردم‌نهاد در زمینه پیشگیری از انواع و اقسام آسیب‌های اجتماعی کند که این تشکل‌ها در زمینه خیر اجتماعی و جذب مشارکت بیشتر ذی‌نفعان در مورد پیشگیری و مبارزه با آسیب‌های اجتماعی اثرگذاری داشته باشند. این موضوع می‌تواند به کاهش ورودی پرونده‌های قضایی و در نتیجه ارتقای کیفیت دادرسی و دقت عمل قضات بینجامد.

در لهستان این نظارت شامل نظارت بر ارکان و نهادهای قضایی، فعالیتها و عملکرد دادگاهها، ارتباط دادگاهها با شهروندان، انتصاب قضات و نحوه محاکمات و رسیدگی به دعاوی در دادگاهها است. «نظارت شهروند بر دادگاه»^۱ عنوان طرحی است که از سال ۲۰۱۰ توسط سمن «دیدبان دادگاه لهستان»^۲ کلید زده شده و در پی آن شهروندان عادی نیز می‌توانند در جلسات استماع عمومی دادگاهها شرکت کرده و بر کار دادگاهها نظارت کنند که تاکنون ۲۶۰۰۰ نظارت بر استماع و ساختار دادگاه انجام گرفته است (Toichubaev, 2010: 156). برخی سمن‌های سابقه‌دار و خبره مانند سمن INPRIS با انجمن قضات ارتباط برقرار کرده و اغلب به تضمین دریافت نتایج فعالیت‌های سمن‌ها و بازخوردها به قضات می‌پردازند و کارگاه‌هایی را نیز برگزار می‌کنند (Court et al., 2003: 12).

در صربستان از مواردی که سمن‌ها می‌توانند مشارکت مؤثری داشته باشند، مربوط به محدودیت‌هایی است که در پرونده‌های کیفری وجود دارد و تشکل‌های مردم‌نهاد با نظارت فعال و هشدار در مورد عملکرد نامناسب نظام قضایی می‌توانند از تضییع حقوق متهمان یا مجرمان جلوگیری کنند. نظارت سمن‌ها بر دادرسی‌ها و محاکمات به‌طور منظم در مورد همه دادگاهها از جمله جنایات جنگی، جرائم سازمان‌یافته، فساد، تبعیض و نقض حقوق بشر مانند نفرت‌افکنی و غیره وجود دارد. از سال ۲۰۰۰ به بعد روند نظارت‌ها اندکی تفاوت داشته و مواردی مانند شکنجه زندانیان و کیفیت بازجویی‌ها را نیز در بر گرفته است. سمن‌ها با استفاده از قانون آزادی اطلاعات^۳ مصوب ۲۰۰۴ که شامل اطلاعات دادگاهها نیز می‌شود، بر عملکرد و نحوه اداره دادگاهها نظارت می‌کنند و اعمال شورای عالی قضایی نیز مورد مذاقه سمن‌ها قرار می‌گیرد. همچنین به موجب این قانون، اطلاعات مربوط به دادرسی‌ها در موضوعاتی که سمن‌ها خواستار آن‌اند، در اختیار عموم قرار می‌گیرد (Bojarski & Tylec, 2016: 6).

۲. مشارکت سمن‌ها در روند دادرسی

از مهم‌ترین جلوه‌های مشارکت سمن‌ها در فرایند توسعه و کارآمدی نظام قضایی، مشارکت مؤثر و فعالانه در فرایندهای دادرسی است، چراکه از منافع و مصالح جمعی و اهدافی دفاع می‌کنند که فراتر از منافع خصوصی افراد قرار می‌گیرد (استفانی و همکاران، ۱۳۷۷: ۳۵۷-۳۴۳). به‌طور مثال در نیجریه بین ۸۰ تا ۸۵ درصد دعاوی از طریق سمن‌ها و نمایندگان جامعه مدنی حل‌وفصل می‌شوند (Court et al., 2003: 13). بنابراین روش‌های غیرقضایی سنتی نیز می‌تواند در ارتقای عملکرد نظام قضایی مؤثر واقع شود. سمن‌ها می‌توانند به عنوان مشاور یا دوست

1. Citizen court monitoring

2. Court Watch Poland Foundation

3. Freedom of Information act, 2004

دادگاه در جریان دادرسی پرونده‌های حقوق بشری یا منفعت عمومی مشارکت داشته باشند. این موضوع به خصوص در نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشر مثل آمریکا و اروپا متداول است؛ مانند دادگاه اروپایی حقوق بشر و دیوان آمریکایی حقوق بشر که استفاده از سمن‌ها به عنوان مشاور یا دوست دادگاه در آنان رایج است (Wouters & Rossi, 2001: 8-9). مطابق ماده ۹ توصیه‌نامه شماره EC/۷۸/۲۰۰۰ و ماده ۷ توصیه‌نامه EC/۴۳/۲۰۰۰ شورای اروپا، سمن‌ها حق شکایت در مراجع قضایی ملی را دارند و می‌توانند به‌عنوان یکی از طرفین دعوا قرار گیرند. سمن‌ها در هندوستان نیز این اختیار را دارند که تحت عنوان دعوی قضایی منافع عمومی در صورتی که حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین مورد نقض قرار می‌گیرد، لایحه‌ای را برای دادگاه آماده کنند (Mayer, 2015: 915).

مطابق ماده ۶۶ قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴، سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های مذکور اعلام جرم کرده و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند که این موضوع می‌تواند تضمین حقوق شهروندی را نیز به‌همراه داشته باشد (مجتهد سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۲).

در انگلستان هر کسی (حتی اگر بزه‌دیده جرمی نباشد) می‌تواند دعوی عمومی را به جریان بیندازد (دلماز مارتی، ۱۳۸۱: ۱۳۲). در برخی کشورها مثل آمریکا، رویکرد تعقیب اجتماعی یا مردمی^۱ مطرح و اجرایی شده است که در واقع به امر تعقیب، ویژگی اجتماعی داده و مردم را به شناسایی مصادیق جرم‌زا تشویق می‌کنند (The Annie E, 2004: 25). سمن‌ها می‌توانند به‌طور مستقیم با بزه‌دیده و قربانی ارتباط برقرار کرده و به وی کمک کنند. این تشکل‌ها اغلب از طریق همکاری با وکلای معاضدت‌های قانونی را انجام می‌دهند و نزد دادگاه از آنان دفاع می‌کنند تا بدین ترتیب از حقوق بزه‌دیده به‌طور کامل حراست کنند. به‌طور مثال در آرژانتین سمن‌ها حق دارند در پرونده‌های مرتبط با فساد دروند دادرسی و تحقیقات مشارکت جویند (Shubhalakshmi, 2015: 171).

نتیجه فعالیت‌های نظارتی این است که در لهستان سمن‌ها می‌توانند از هر دو طرف دعوا در فرایند رسیدگی حمایت کنند. به موجب ماده ۶۲ کد آیین دادرسی مدنی، وقتی که مشارکت سمن‌ها به‌عنوان طرفین دعوا به رسمیت شناخته شد، آنان از تمامی حقوق و مسئولیت‌های طرفین دعوا برخوردار خواهند بود که به‌طور مثال می‌توانند از حق تجدیدنظر و احضار شاهد بهره‌جویند. همچنین به موجب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های اداری^۲، سمن‌ها می‌توانند در فرایند رسیدگی به پرونده‌هایی که دادگاه شکایت را وارد دانسته است مشارکت کنند (مواد ۹، ۴، ۲۵، ۲، ۳۳).

1. Community Procecutio

2. Act on Procedure before Administrative Courts

در صربستان مشارکت سمن‌ها در فرایند دادرسی دادگاه‌ها به موجب قوانین مختلف تضمین شده است. یکی از این قوانین که به سمن‌ها اجازه نمایندگی موکلان در دادگاه را می‌دهد، قانون آیین دادرسی مدنی^۱ است. در پرونده‌هایی مانند حمایت از حقوق بشر نظیر موارد نفرت‌افکنانه و منع تبعیض، سمن‌ها استحقاق بیشتری برای قرار گرفتن به‌عنوان طرف دعوا دارند که قوانین مختلف در زمینه‌های حقوق بشری همواره دارای موادی هستند که به موجب آن سمن‌ها بتوانند اقامه دعوا کرده یا به نمایندگی از طرف دعوا در فرایند دادرسی مشارکت کنند (Antonijevic, 2016: 23).

۳. سمن‌ها و شفافیت قضایی

حکمرانی خوب نیازمند اطلاعات، شفافیت و مشارکت است و سمن‌ها به‌عنوان ابزاری به‌منظور اصلاحات قضایی از طریق مشارکت عمومی و انتشار نظرهای خود به این روند کمک می‌کند (Steels, 2014: 47). نهادهای دولتی باید اطلاعات نظام قضایی از جمله فرایندهای دادرسی، گزارش‌های قضایی و اطلاعات دادگاه را به‌طور منظم برای عموم مردم منتشر سازند. البته شفافیت قضایی استثنائاتی نیز دارد که از جمله آنان می‌توان به رعایت حریم خصوصی طرفین دعوا اشاره کرد. تشکل‌های مردم‌نهاد نباید از دستگاه قضایی انتظار داشته باشند که هویت طرفین دعوا را شفاف‌سازی کرده و حریم خصوصی آنان را نقض کنند. علاوه‌بر این در برخی موارد به دلایل امنیتی افشای اطلاعات پرونده ممکن نیست، چراکه بیم تبانی یا فرار متهمان وجود دارد و شفافیت قضایی، پرونده را از سیر طبیعی و قضایی خود خارج می‌کند (Messick, 2009: 8). شهروندان شبکه دیدبانی لهستان، تشکلی مستقل، غیرسیاسی و غیرانتفاعی‌اند که در قالب دیدبانی در پی منافع عمومی کشورند. آنان به مردم این قدرت را می‌دهند که مردم حق دارند در مورد عملکردهای دولت، نهادهای حکومتی و تأثیر تصمیم‌سازی‌های مدیران در مورد منافع عمومی اطلاع پیدا کنند. در سال‌های اخیر تمایل انکارناپذیری در مورد تمرکز بر نظام قضایی به‌وجود آمده است که بیشتر بر شفافیت عملکرد و اطلاعات دادگاه‌ها و دعاوی قضایی مهم اختصاص یافته است (Toichubaev, 2010: 122).

در صربستان سمن‌ها در زمینه دسترسی‌پذیر کردن عدالت، حاکمیت قانون و تغییرات در قانونگذاری از طریق استفاده از اطلاعات و عملکرد دادگاه‌ها هستند. در این‌گونه موارد که سمن‌ها و افراد منافع دارند، می‌توانند در این موضوعات درخواستی مبنی بر دسترسی به اطلاعاتی که اهمیت عمومی دارند، درخواست کنند. مطابق قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، دارای منافع عمومی، هر شهروندی می‌تواند به اطلاعاتی که در راستای منافع عمومی است،

دسترسی یابد و در صورتی که این اطلاعات قابل دسترسی نباشد، می‌تواند دسترسی به آنان را از نهاد مزبور درخواست کند که در این صورت نهاد دولتی ملزم درخواست را اجابت کند. کمیسیونر اطلاعات در راستای منافع عمومی و حمایت از داده‌های شخصی به‌طور مستقل از این حق حمایت کرده یا بر مبنای شکایتی که از سوی شهروندان می‌شود، این حق را تضمین می‌کند (Antonijevic, 2016: 49-50).

۴. سمن‌ها و استقلال دادگاه

از جمله ابعاد اصلاحات قضایی، معطوف داشتن تلاش‌ها به تقویت نظام قضایی و مبارزه با فساد قضایی است که در این راه بر استقلال و شفافیت به‌عنوان دو بال مبارزه با فساد یاد می‌شد که برای استقلال آن بیشتر بر نحوه گزینش و انتخاب قضات دادگاه عالی و تقویت قدرت شورای قضایی از طریق ثبات و تدوین قواعد اخلاق حرفه‌ای قضات بود (Transparency International's Global Corruption Report, 2007: 40). در صربستان سمن‌ها تمرکز ویژه‌ای بر شورای عالی قضایی و شورای ملی دادستان‌ها دارند. این دو نهاد توسط قانون اساسی به‌عنوان تضمین‌کنندگان استقلال قضایی تعیین شده‌اند. سمن‌ها از کیفیت کار و عملکرد شورای عالی قضایی در مقام حمایت و پشتیبانی از نظام قضایی و استقلال آن نیز تحقیق و مطالبه‌گری می‌کنند. در سال ۲۰۱۷ وزارت دادگستری صربستان از سمن‌های مختلف برای رایزنی و ارائه پیشنهاد به‌منظور ارتقای کارآمدی قضایی و اصلاح نظام قضایی دعوت کرد. این تشکل‌ها پیشنهادهای خود را به دفتر هیأت دولت تسلیم کردند و در جهت همکاری با دولت برای اصلاحات موردنظر برآمدند (Gemmill, 2002: 89). تشکل‌های مردم‌نهاد باید ملاحظات دستگاه قضایی را در پرونده‌های مربوطه درک کنند و با حفظ استقلال دادگاه به همکاری با نظام قضایی بپردازند. سمن‌ها به همان اندازه که می‌توانند زمینه‌ساز کارآمدی دستگاه قضایی باشند، از طرفی ممکن است با نفوذ ناروا در نظام قضایی و عدم تنظیم روابط خود با دادگاه‌ها به استقلال فردی قاضی و استقلال ساختاری نظام قضایی لطمه وارد کنند.

مصادیق نقش قضایی سمن‌ها

سمن‌ها می‌توانند نقش‌های مختلفی را در زمینه کارکردها و وظایف نظام قضایی ایفا کنند. از جمله این نقش‌ها حمایت سمن‌ها از زندانیان به‌خصوص پس از آزادی، تلاش تشکل‌های مردم‌نهاد برای کاهش جرائم، تعاملات علمی و قضایی با شهروندان و قضات، اصلاح کمبودهای نظام قضایی در عمل و پیشنهادهای مرتبط با اصلاح قوانین و تدوین آنهاست (Nelson, 2007: 36).

۱. نقش سمن‌ها در حمایت از زندانیان

از جمله مهم‌ترین بخش‌هایی که سمن‌ها می‌توانند در تعامل با نظام قضایی نقش‌آفرینی مؤثری داشته باشند، حمایت از زندانیان به انحاء مختلف و در چارچوب قانون و عرف است. همچنین سمن‌ها آموزش قضات و مقامات مسئول زندان در جهت تقویت از حقوق زندانیان را بر عهده می‌گیرند. سمن‌ها می‌توانند در جهت آزادسازی زندانیان نیز به ارتقای حقوق بشر کمک کنند (کوشکی، ۱۳۹۲: ۶۸). در بند «د» ماده ۳ آیین‌نامهٔ مراقبت از زندانیان پس از خروج مصوب ۱۳۷۸/۲/۱۲ مصوب رئیس قوهٔ قضاییه، به جذب کمک‌های مردمی و انجمن‌ها و مؤسسات خیریه به منظور مساعدت در وضع مددجویان و خانوادهٔ آنها تصریح شده است. همچنین مطابق ماده ۴ و بند «چ» ماده ۳ دستورالعمل سال ۱۳۹۸، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر از جمله زمینه‌های همکاری سمن‌ها با قوهٔ قضاییه تعیین شده است که زندانیان و خانواده‌های آنان در این دسته قرار می‌گیرند و نهادهای مردمی نقش مهمی در حمایت از آنان بر عهده دارند. همچنین در ماده ۴۲ دستورالعمل مذکور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف شده است تا از ظرفیت‌های تشکل‌های مردم‌نهاد استفاده کند و اموری مانند مساعدت حقوقی، ارتباط با خویشاوندان زندانیان و فراهم کردن امکان تحصیل برای آنان را از طریق سمن‌ها انجام دهد که این موارد نقش بسزایی در بازپروری زندانیان و مصونیت آنان از آسیب‌های اجتماعی دارد.

سمن‌ها در هندوستان توانسته‌اند از طریق نامه‌نگاری با مسئولان زندان، قضات و مقامات دولتی از طریق دیوان عالی، زمینهٔ آزادی زندانیان زیادی را که به ناحق زندانی بوده‌اند، فراهم کنند (Shubhalakshmi, 2015: 174). مشارکت تشکل‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد در این مراحل، جدیدترین پدیده‌ای است که به‌ویژه در کشورهای انگلوساکسون مثل آمریکا پدیدار شده است. برای مثال از تجربهٔ مؤسسهٔ خصوصی ورا^۱ در نیویورک می‌توان نام برد که به‌منظور کاهش موارد بازداشت موقت و محکومیت به حبس، اطلاعات مختلفی را در مورد اشخاص تحت تعقیب به دادگاه می‌دهد و همچنین حضور آن‌ها را در روز محاکمه در دادگاه تضمین می‌کند. این نهادها در فرانسه زمینهٔ گسترش جایگزین‌های بازداشت موقت مثل اجرای قرار کنترل قضایی را هموار کرده‌اند (Hayman et al., 2014: 15). در خصوص حمایت سمن‌ها از زندانیان باید کرامت زندانیان و خانواده‌های آنان مدنظر قرار گیرد و دادگاه‌ها نباید تحت فشار تشکل‌های مردم‌نهاد، اقدام به کاهش دورهٔ حبس کنند، چراکه این‌گونه تصمیمات می‌تواند زمینهٔ دادگستری خصوصی را فراهم کرده و مجازات زندان را از جنبهٔ سزادهی تهی سازد.

۲. نقش سمن‌ها در پیشنهاد لوایح

برخی سمن‌ها از قدرت و کالت و دفاع برخوردارند و از این طریق تصمیم‌گیران را تحت تأثیر فعالیت خود قرار می‌دهند. از جمله این وکالت‌ها هنگامی است که مقامات دولتی در پی اصلاح قانون یا وضع قاعده جدیدی هستند و بدین ترتیب سمن‌ها وزن تأثیرگذاری خود در اتخاذ تصمیم را سنگین می‌کنند. ائتلاف وکالتی عبارت است از ائتلاف گروهی از سمن‌ها با دیگر اعضای جامعه مدنی برای دفاع از تغییر قوانین، سیاست‌های دولت، یا دیگر قواعد که این ائتلاف می‌تواند با هدفی خاص همچون تصویب یک قانون یا در سطح کلان تغییر یک سیاست باشد. این ائتلاف‌ها اغلب با موفقیت به پایان می‌رسد، ولی برای موفقیت آن باید تعداد زیادی در آن دخیل باشند (Aviles, 2012: 60).

در لهستان سمن هلسینکی که در زمینه حقوق بشر فعالیت دارد، برنامه‌ای شامل سه مرحله عمده زیر را برای نظارت برای دستگاه قضایی تدارک دیده است: ۱. نظارت بر فرایند قانونگذاری در زمینه اصلاحات قضایی؛ ۲. نظارت بر اجرای قانون حداقل پس از یک سال از تصویب آن؛ ۳. نظارت بر عملکرد قضات و تطبیق قانون با وقایع که با توجه به بررسی رضایت شاکی و افرادی که با نظام قضایی در ارتباط هستند، انجام می‌گیرد. وزارت دادگستری لهستان در سال ۲۰۱۴ تصمیم به تأسیس شورایی به نام «شورای اجتماعی اجرای برنامه‌های نوسازی قضایی»^۱ در لهستان گرفته است که رئیس آن، متولی و سرپرست یکی از تشکل‌های مردم‌نهاد است و سمن‌های بسیاری تمایل به همکاری با این نهاد دارند (Bakolias, 2000: 30).

در صربستان در سطح سیاستگذاری سازمان‌های تخصصی بر اصلاحات قضایی نظارت می‌کنند و از طریق پیشنهاد لوایح و مقررات مختلف سعی در اصلاح فرایند قضایی دارند و به‌طور معمول به‌صورت گروهی این نظارت را انجام می‌دهند. از طرف دیگر، سمن‌ها این لوایح و پیشنهادها را در معرض عموم می‌گذارند و در خصوص آن مباحثی را ترتیب می‌دهند و با استفاده از ابزارهای مختلف درصدد تحلیل فرایند اصلاح نظام قضایی برمی‌آیند. مطابق گزارش بانک جهانی در مورد وضعیت قضایی صربستان، سمن‌های قضایی نقش انکارناپذیری در بهبود مشکلات قضایی این کشور داشته‌اند (Herrero & López, 2010: 26). به موجب بند «ب» ماده ۸ دستورالعمل سال ۱۳۹۸، نهادهای مردمی می‌توانند در اصلاح قوانین و تدوین لوایح جدید مشارکت داشته باشند و هرچه بیشتر قوانین و مقررات برگرفته از خواست عمومی باشد. شناسایی این امتیاز برای سمن‌ها موجب ارتباط بیشتر قوه قضاییه با دغدغه‌های جامعه و مدنظر قرار گرفتن دیدگاه‌های تشکل‌های مردم‌نهاد در لوایح قانونی می‌شود.

1. The Social Council on Implementation of the Modernization Strategy of Justice in Poland.

۳. نقش سمن‌ها در آموزش قضایی شهروندان

سمن‌های حقوقی می‌توانند اقدام به تأسیس کلینیک حقوقی کنند که در آن علاوه بر معاضدت قضایی از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان و وکلا نیز بهره‌مند شوند. آموزش‌های اجتماعی و رویکردهای تغییر رفتار در جامعه و آشنایی مردم با حقوق خویش و استفاده و آشناسازی مردم با تکنولوژی‌های نوین از جمله محتوای این آموزش‌ها می‌تواند باشد (Hayman *et al.*, 2014: 36).

در بند «الف» ماده ۱۷ دستورالعمل سال ۱۳۹۸ این موضوع مورد توجه قرار گرفته که نهادینه‌سازی احترام به قانون و افزایش آگاهی‌های عمومی در زمینه حقوق و تکالیف مردمی از وظایف سمن‌ها عنوان شده است. به موجب بند «ت» ماده ۱۱۳ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضاییه مکلف است از مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه تدوین برنامه جامع پیشگیری از وقوع جرم اقدام کند. این ماده حکایت از تکلیف قوه قضاییه به منظور استفاده کامل از ظرفیت و توانایی‌های سمن‌ها برای امر پیشگیری از جرم دارد که نتیجه آن می‌تواند کاهش پرونده‌های قضایی، کاهش زندانیان و بهداشت کیفری باشد. در راستای اجرای این تکلیف، ماده ۴ و بند «ت» ماده ۳ دستورالعمل سال ۱۳۹۸ پیشگیری از جرم را از موضوعات همکاری و زمینه‌های مشارکت نهادهای مردمی در نظام قضایی اعلام کرده و مطابق بند «ب» ماده ۱۶ واگذاری حداکثر اختیارات برای اجرای اقدامات پیشگیری از جرم را به سمن‌ها واگذار کرده است. مطابق بند «ج» ماده ۲۹ آیین‌نامه تشکیل‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۹۵ نیز این تشکل‌ها می‌توانند در امور مختلف حقوقی و قضایی اقدام به آگاهی‌سازی عمومی و آموزش شهروندان کنند و بدین ترتیب پیشگیری از جرم تا حدودی واقع شود.

در لهستان سمن‌ها برنامه‌هایی را به منظور نظارت مردمی بر دادگاه‌ها ارائه و اجرا می‌کنند. در این طرح‌ها به حقوق و وظایف شهروندان در مقابل دادگاه پرداخته شده و تجربه نشان داده است این برنامه‌ها تأثیر بسزایی در تجربه‌آموزی مدنی داوطلبان دارند و اعتماد متقابل شهروندان و دادگاه‌ها را افزایش می‌دهند. علاوه بر شهروندان، دانشجویان دانشکده‌های حقوق نیز تحت آموزش سمن‌ها قرار می‌گیرند و طی این آموزش‌ها اطلاعات مختلفی در مورد بازداشتگاه‌ها، زندان و دیگر اماکن زیر نظر دادگاه‌ها به آنان داده می‌شود و می‌توان گفت به‌طور کلی منافع این آموزش‌ها شامل مردم و سمن‌ها می‌شود (Rietveld, 2015: 23).

از اقدام‌های سمن‌ها در صربستان، ارائه معاضدت‌های قضایی رایگان برای ارتقای استانداردهای حقوق بشر و پیشگیری از نقض آن است که با استفاده از دستورالعمل‌های دادگاه اروپایی حقوق بشر صورت می‌گیرد. سمن‌ها در اموری مانند کمک‌های قانونی رایگان به شکنجه‌شدگان یا ساخت پناهگاه برای بزه‌دیدگان و کسانی که در معرض بزه‌دیدگی هستند، مبارزه با خشونت خانوادگی، بزه‌های نژادپرستانه، نفرت‌افکنی، حمایت از آزادی بیان، آزادی

تجمع، مبارزه با تبعیض، حمایت از مصرف‌کنندگان و دیگر اقداماتی که به نفع عموم است، مشارکت دارند (Antonijevic, 2016: 16).

۴. تعاملات علمی سمن‌ها با قضات

سمن‌ها می‌توانند با آموزش مقامات عمومی از جمله مقامات قضایی نسبت به شناخت ساختار و سازوکارهای کمک به آنها در بهبود عملکرد این مقامات و نهادهای زیرمجموعه آنها به افزایش اعتماد عمومی که در نتیجه پاسخگویی آنان به‌دست می‌آیند، مشارکت کنند (Aviles, 2012: 63). تقویت مشارکت و حضور سمن‌ها به‌عنوان گروه‌های داوطلبانه در روند دادرسی موجب تخصصی شدن کارکنان دادگاه‌ها، کارآموزی قضات و کارکنان قضایی در همکاری با سمن‌های مربوطه شده است. این موضوع نه تنها موجب کسر شأن قضات نیست، بلکه با توجه به محدودیت زمانی قضات به دلیل تراکم پرونده‌ها، راهکاری حیاتی برای به‌روزرسانی سواد قضایی قضات است. از طرف دیگر، در حین تبادلات علمی میان قضات و سمن‌های مربوطه، تشکل‌های مذکور با حساسیت‌ها و محدودیت‌های امر قضا آشنا می‌شوند و به‌صورت هدفمند به‌دنبال هم‌افزایی علمی هستند (Trivunovic & Devine, 2015: 58).

در سال ۲۰۱۵ برای نخستین بار وزارت دادگستری لهستان برنامه همکاری نظام قضایی با سمن‌ها را به‌طور تفصیلی بیان کرد که این برنامه به‌طور بالقوه موجب ایجاد برخی زمینه‌های توسعه روابط سمن‌ها و دادگاه‌ها شد (Bojarski & Mileszyk, 2017: 4). آموزش و کارآموزی قضات اغلب توسط دانشگاه ملی قضاوت و دادستانی کل صورت می‌گیرد. با وجود این سمن‌ها انواع کارآموزی و کارگاه‌ها را برای قضات تسهیل می‌کنند؛ به‌خصوص در موضوعاتی که مطابق برنامه دانشگاه مذکور جایی در آموزش قضات ندارد. برخی کارگاه‌ها با حضور قضات و روزنامه‌نگاران برگزار می‌شود تا فهم مشترکی در خصوص نقش‌ها و محدودیت‌های دو طرف کسب شود که این موضع به ترمیم اعتماد دوطرفه قضات و روزنامه‌نگاران می‌انجامد (Bojarski & Mileszyk, 2017: 8).

نظام قضایی صربستان نیز موافقت کرده است که سمن‌ها عهده‌دار آموزش قضات، مستشاران و کارشناسان دادگاه‌ها، دادستان‌ها و مأموران پلیس در زمینه درک بهتر در خصوص حوزه‌هایی را که فساد به‌وجود آمده است، بر عهده بگیرند. در این کشور از زمان تأسیس دانشگاه قضایی^۱، شورای عالی قضایی و شورای ملی دادستان‌ها، سمن‌ها نقش فعالی در امور قضایی داشته‌اند. این فعالیت‌ها شامل سمینارها و آموزش‌هایی در زمینه حقوق بشر، استانداردهای ملی و بین‌المللی و تشریح مساعی در مورد تجربیات ارزشمند نهادهای بین‌المللی در این زمینه‌ها بوده است. سمن‌ها نظرهای گوناگون عمومی را پس از اجرای قانون دریافت می‌کنند و آن را در قالب پیشنهادی به قوه مقننه ارائه می‌دهند (G. McGann, 2008: 69). البته آموزش‌های مربوطه،

اسامی قضات و هویت سمن‌های آموزش‌دهنده باید ثبت شود تا در آینده موقعیت‌های تعارض منافع مشخص شود و تشکل‌های مردم‌نهاد نتوانند از این طریق بر دادگاه‌ها تأثیر منفی داشته باشند (European Judicial Training Network, 2016: 8).

۵. نقش سمن‌ها در کاهش فساد

در مبارزه با فساد، سمن‌ها باید نکات زیر را رعایت کنند: ۱. اطلاع‌رسانی عمومی در مورد فساد و نیاز به کنترل آن، ۲- طراحی نقشه عمل برای مبارزه با فساد و تحت تأثیر قرار دادن دولت برای پذیرش این نقشه عمل و ۳. نظارت بر عملکرد دولت و تصمیمات آن که ممکن است دربرگیرنده فساد یا کهنده آن باشد. به همین منظور باید نهایت شفافیت را به کار بست و از وضعیت مالی و فعالیت‌های سمن به نهادهای ناظر و مردم گزارش داد. به همین دلیل در برخی کشورها از جمله انگلستان به موجب قانون رشوه^۱ ۲۰۱۰، از سمن‌ها برای اقدامات تأثیرگذار در پیشگیری از رشوه کمک گرفته شده است (Magliveras, 2016: 71). در سطح بین‌المللی نیز کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۲ مقرر می‌کند که انتشار فرایند کیفری باید به‌عنوان یک قاعده مدنظر قرار گیرد و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد^۳ و معاهده کشورهای آمریکایی علیه فساد^۴ مقرر می‌دارند که نقش فعال جامعه مدنی از جمله سمن‌ها باید در مبارزه با فساد تضمین شود (Herrero and López, 2010: 27).

به موجب ماده ۴ و بند «ت» ماده ۳ دستورالعمل سال ۱۳۹۸ یکی از موضوعات همکاری قوه قضاییه با نهادهای مردمی، مقابله با فساد اعلام شده است که نقش فعال سمن‌ها در کشف فساد می‌تواند نقطه عطفی در مبارزه قوه قضاییه با فساد محسوب شود. مطابق ماده ۱۰ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰، وزارت کشور موظف است تمهیدات لازم را درباره توسعه و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه پیشگیری و مبارزه با فساد و سنجش شاخص‌های فساد با رعایت مصالح نظام و در چارچوب قوانین و مقررات مربوط فراهم آورد و گزارش سالانه آن را به مجلس شورای اسلامی ارائه کند. این موضوع در زمینه مبارزه با فساد و کاهش نرخ و به‌طور طبیعی در رتبه‌بندی ایران در جدول شاخص ادراک فساد سهم بسزایی می‌تواند داشته باشد. سمن‌ها از طرفی به دلیل ارتباط با اقشار مختلف مردم و عضویت دامنه وسیعی از شهروندان در ساختار آنها و از طرف دیگر ارتباط و تعامل با نهادهای عمومی، با مصادیق و فراوانی فساد در جامعه آشنایی کافی دارند و در زمینه پیشگیری از وقوع یا جلوگیری از شیوع گسترده فساد می‌توانند یاری‌رسان نظام قضایی باشند.

1. Bribery Act of England, 2010

2. American convention on Human Right, 1969

3. United Nations Convention against Corruption, 2003

4. Inter-American Convention Against Corruption (IACAC), 1996

نتیجه‌گیری

سازمان‌های مردم‌نهاد در سراسر دنیا شبکه‌ای پیچیده از روابط و تعاملات با دولت‌ها را ایجاد کرده‌اند و به‌دنبال مدیریت کارکردهای دولت و اثرگذاری بر تصمیمات و اعمال سیاستگذاران و مجریان امر عمومی‌اند. از جمله کارویژه‌های دولت به مفهوم اعم آن، امر قضاست که دارای ساختار و نهادهای گسترده است و کیفیت اعمال آن تأثیر مستقیمی در حکمرانی مطلوب و رضایت عمومی از حاکمیت دارد. در دیگر کشورها به‌دلیل وجود بسترها و سابقه مشارکت سمن‌ها در عرصه عمومی، تعاملات بین سمن‌ها و نظام قضایی مطلوب است و چرخه روابط روند عادی و رو به رشدی را طی می‌کند. در این کشورها از آموزش سمن‌ها به کارکنان نظام قضایی تا مشارکت مستقیم تشکل‌های مردم‌نهاد در فرایند دادرسی پیش‌بینی شده و در حال اجراست. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز قوانین و مقرراتی در زمینه مشارکت سمن‌ها در فرایند دادرسی، کمک به زندانیان، پیشگیری از جرم، مقابله با فساد، آموزش‌های حقوقی و قضایی به مردم و غیره مشاهده می‌شود، ولی به‌نظر می‌رسد مسئولان قوه قضاییه باید برنامه‌های عملی خود را در جهت مشارکت بیشتر سمن‌ها در ارائه برنامه‌ها به قوه قضاییه و مشارکت فعال آنها در روند دادرسی و از همه مهم‌تر فراهم آوردن زمینه‌های نظارت مؤثر بر عملکرد نظام قضایی تدوین و تصویب کنند تا شاهد شکوفایی ظرفیت‌های مغفول سمن‌ها در اصلاح امور قضایی کشورمان باشیم. البته دستورالعمل سال ۱۳۹۸ رئیس قوه قضاییه نقطه عطفی در همکاری و تعامل سمن‌ها با نظام قضایی به‌شمار می‌رود که باید منتظر عملیاتی شدن آن بود. علاوه بر این از جمله زمینه‌هایی که نیازمند مشارکت فعال و مؤثر سمن‌هاست، می‌توان به استفاده کمیسیون قضایی مجلس از سمن‌ها در تدوین طرح‌های مربوطه، تعاملات علمی قضات با تشکل‌های مردم‌نهاد تخصصی و حمایت از تشکل‌های مردم‌نهاد افشاگر فساد اشاره کرد که ورود سمن‌ها به هریک از موارد مذکور، نوید آینده‌ای درخشان و امیدوارکننده در بهبود کارآمدی نظام قضایی را می‌دهد. البته برخی سمن‌ها در زمینه‌هایی مانند شفافیت قضایی قدم برداشته‌اند که در جای خود قابل تقدیر است، ولی تعداد و کیفیت این نهادها باید افزایش پیدا کند و به‌طور تخصصی و جزئی در پی کارآمدی و اصلاح نظام قضایی برآیند. البته نباید محاسن و امتیازهای همکاری تشکل‌های مردم‌نهاد با نظام قضایی، موجب غفلت از برخی خطرهای بالقوه این همکاری شود. مهم‌ترین نگرانی در مورد تعامل متقابل نظام قضایی و سمن‌ها مربوط به نقض استقلال و بی‌طرفی قضایی است که سمن‌ها با فشار یا نفوذ خود در نظام قضایی، زمینه‌ساز نقض استقلال قضایی و فسادهای منبعث از آن شوند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ بولوک، برنار (۱۳۷۷). *آیین دادرسی کیفری*، حسن دادبان، ج ۱، چ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. دلماس مارتی، میری (۱۳۸۱). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، علی حسین نجفی ابرندآبادی، ج ۱، چ اول، تهران: میزان.
۳. رفیعی، فرشاد (۱۳۸۵). *اصول و مبانی مدیریت سازمان‌های غیردولتی*، چ اول، تهران: نشر ودیعت.
۴. سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲). *درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی*، چ اول، تهران: سمت.

ب) مقالات

۵. کوشکی، غلامحسین (۱۳۹۲). «سازمان‌های غیردولتی: از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوای عمومی (با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری)»، پژوهش حقوق کیفری، ش ۴، ص ۸۶-۶۵.
۶. مجتهد سلیمانی، ابوالحسن؛ مهدوی پور، اعظم؛ دارایی، بیژن؛ ابدالی، اسدالله (۱۳۹۶). «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری: در جهت حمایت از حقوق و اخلاق شهروندی»، پژوهش‌های اخلاقی، سال هشتم، ش ۱، ص ۱۰۶-۸۹.
۷. وروایی، اکبر؛ محمدی، همت؛ نوریان، ایوب (۱۳۹۵). «مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ش ۲۸، ص ۵۸-۴۱.

ج) اسناد

۸. آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی، ۱۳۸۴.
۹. آیین‌نامه مراقبت از زندانیان بعد از خروج، ۱۳۷۸.
۱۰. دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه، ۱۳۹۸.
۱۱. قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، ۱۳۹۰.
۱۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸.
۱۳. قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۴.
۱۴. قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Antonijevic, Milan (2016), *NGOs and the judiciary - watch dog activities, interactions, collaboration, communication SERBIA*, INPRIS.
2. Aviles, Hilary Binder (2012), *The NGO Handbook*, United States Department of State, Bureau of International Information Programs.
3. Bojarski, Łukasz & Mileszyk, Natalia (2017). *NGOs and the judiciary - watch dog activities, interactions, collaboration, communication POLAND*, INPRIS.
4. Court, Julius; Hyden, Goran & Mease, Ken (2003), *THE JUDICIARY AND GOVERNANCE IN 16 DEVELOPING COUNTRIES*, United Nations University.
5. European Judicial Training Network (2016), *Judicial Ethics and Professional Conduct*, Slovakia
6. G. McGann, James (2008), *NGO Pushback: The Use of Legal and Extralegal Means to Constrain Think Tanks & Civil Society Organizations*, University of Pennsylvania.
7. Hayman, Rachel; Crack, Angela; Okitoi, Joan & Lewis Sarah (2014), *Legal Frameworks and Political Space for Non-Governmental Organisations, An Overview of Six Countries*, EADI Policy Paper Series.
8. Herrero, Álvaro & López, Gaspar (2010), *Access to Information and Transparency in the Judiciary*, Asociación por los Derechos Civiles, The World Bank Institute.
9. Lee, Julian (2004), *NGO Accountability: Rights and Responsibilities*, Geneva, Switzerland.
10. Messick, Richard E. (2009), *Regulating Conflict of Interest: International Experience with Asset Declaration and Disclosure, Public Sector Governance Poverty Reduction and Economic Management*, The World Bank
11. Nelson, Jane (2007), *The Operation of Non-Governmental Organizations in a World of Corporate and Other Codes of Conduct*, Working No. 34.
12. Rafiei, Farshad (2006), *Principles and bases of management of non-governmental organizations*, Tehran, Wadiat Publishing, first edition.
13. Rietveld, M.F (2015), *NGO Participation in Regional Human Rights Systems (A Comparison of Europe and the Americas)*, Universiteit Leiden.
14. Steels, Stephanie (2014), *Non-Governmental Organizations (NGOs) and Citizen-Authority*, The University of Manchester, United Kingdom.
15. The Annie E (2004), *casey Foundatio, Community safety and justice*.
16. The World Bank (1997). *HANDBOOK ON GOOD PRACTICES FOR LAWS RELATING TO NON-GOVERNMENTAL ORGANIZATIONS*, The International Center for Not-for-Profit law.
17. Toichubae, Tolondu (2010), *Interaction Between Governments and Nongovernment Organizations*.
18. World Association of Non-Governmental Organizations (WANGO) (2002). *Code of Ethics & Conduct for NGO*.

19. Wouters, Jan & Rossi, Ingrid (2001), *Human Rights NGOs: Role, Structure and Legal Status*, K.U. Leuven Faculty of Law.
20. Wyatt, Marilyn (2004), *The Central and Working Group Eastern European on Nonprofit Governance*, European Center for Not-for-Profit Law, Apáczai Csere János u. 17, Budapest 1052 Hungary.

B) Articles

21. Bakolias, Maria (2000), "Legal and Judicial Development: The Role of Civil Society in the Reform Process", *Fordham International Law Journal*, Vol. 24, Issue 6, PP. 25-55.
22. Magliveras, KONSTANTINOS D (2016), "FREEDOMS OF ASSOCIATION AND ASSEMBLY AND NGO REGULATION IN GREECE AND ENGLAND", *International Journal of Not-for-Profit Law / Vol. 18, No. 1, PP. 40-53.*
23. Mayer, Lloyd Hitoshi (2011), "NGO Standing and Influence in Regional Human Rights Courts and Commissions", *Brooklyn Journal of International Law*, Vol. 36, Issue 3, PP. 910-946.
24. Shubhalakshmi, P (2015), "AN ANALYSIS ON THE ROLE OF NON-GOVERNMENTAL ORGANISATIONS IN SENSITIZING AND PROTECTING HUMAN RIGHTS IN INDIA", *International Journal of Law and Legal Jurisprudence Studies:ISSN:2348-8212:Vol. 4, Issue 2, PP. 165-177.*
25. Trivunovic, Marijana & Devine, Vera (2015), *Evaluation of the Project "Improving Judicial Efficiency" (Bosnia and Herzegovina)*, Swedish International Development Cooperation Agency, Sida, PP. 1-108.

C) Documents

26. Code of Criminal Procedure, 2015.
27. Regulations for the care of prisoners after their release, 1999.
28. The Constitution of the Islamic Republic of Iran, 1989.